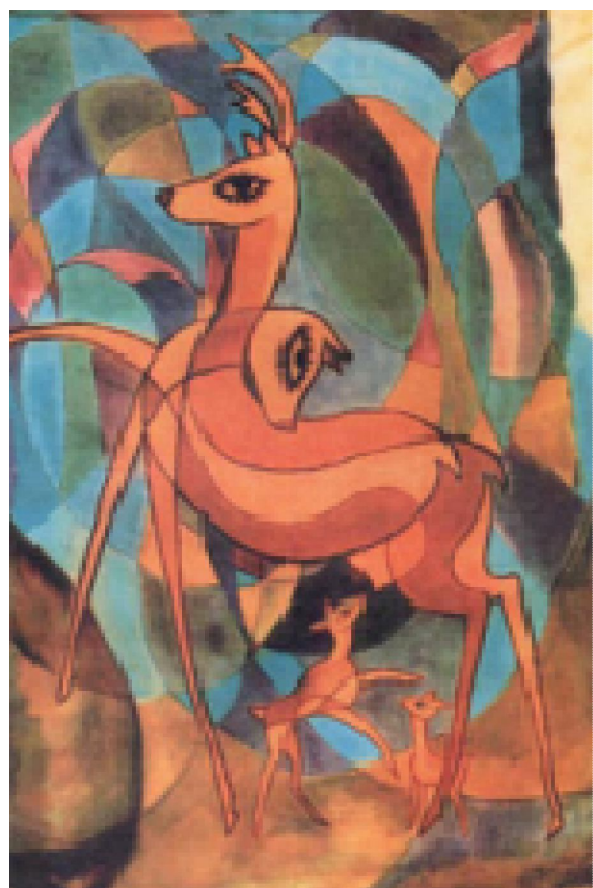


۳۹ سال  
پس از آن شامگاه تلخ



# یاد رفیقان گرامی باد!

گروه کار تبلیغات سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



## پوستر فیلم "واکسی" را بیژن جزنی طراحی کرد هارون یشایایی



**تاریخ ایرانی:** خاطره جمعی سینمای ایران بعد از انقلاب فیلم‌هایی را به یاد دارد که بخشی از آنها به تهیه‌کنندگی «پخشیران» و هارون یشایایی ساخته شده‌اند؛ فیلم‌هایی همچون «اجاره‌نشین‌ها»، «ناخدا خورشید»، «هامون»، «در مسیر تندباد» و... اما حالا سال‌هاست که هارون یشایایی دست از سینما شسته است. او سال‌های سال با سینما زندگی کرده، از اوایل دهه ۳۰ که اولین تیزرهای تبلیغاتی در سینماهای ایران و بعدتر تلویزیون پخش شد، او با سینما همراه بوده است. یشایایی یکی از چهره‌های شناخته شده جامعه کلیمیان ایران است که در حوزه‌های دیگری هم نامش به میان می‌آید، از ریاست انجمن کلیمیان ایران تا پرونده‌های ساواک درباره چپ‌های ایران و چریک‌های فدایی خلق و دوستی با بیژن جزنی.

بخش اول گفت‌وگوی «تاریخ ایرانی» با یشایایی، درباره زندگی او در خانواده سنتی کلیمی در تهران و چگونگی آشنایی‌اش با بیژن جزنی در دوران دبیرستان و سپس همکاری با او در پخشیران است. بخش دوم گفتگو به مرور خاطرات او درباره بازداشت و تیرباران بیژن جزنی، ساخت اولین تیزر تبلیغاتی در موسسه پرسپولیس و همکاری با کارگردان‌های سینما برای ساخت آگهی‌های تجاری می‌پردازد. بخش سوم و پایانی گفت‌وگو با یشایایی، کارنامه او در مقام تهیه‌کننده فیلم‌های موفق سینمای پس از انقلاب را مرور می‌کند؛ از همکاری با مهرجویی تا تقوایی، از موفقیت‌های «اجاره‌نشین‌ها» تا غربت «ناخدا خورشید». **امیلی امرایی** گفتگو با یشایایی را انجام داده است.

هر دو بخش مصاحبه در زیر آمده است:



شما در یکی از قدیمی‌ترین محله‌های تهران به دنیا آمده‌اید، تصویری که از آن محله در ذهنتان مانده بیشتر معطوف به چیست؟

« »

محدوده کلیمی‌نشین و مسلمان‌نشین عودلاجان فاصله‌گذاری شده بودند؟

یعنی به دلیل حمایت از دکتر مصدق و به دلیل اختلاف سیاسی این تعرض رخ داد؟

تعداد یهودی‌های ساکن عودلاجان در آن زمان چقدر بود؟

جدای از برخوردهای جامعه با اقلیت یهودی، تعامل یهودیان با حکومت چگونه بود؟

یافت خانواده‌تان چطور بود، یعنی در خانواده گرایش‌های سیاسی و مرزبندی‌ها چطور تعریف می‌شد؟

در همان محله عودلاجان مدرسه رفتید؟

« »

( )

در مدرسه اتحاد چه گرایش‌های سیاسی مطرح بود؟

یعنی دوستی‌تان با بیژن جزنی از همان جا آغاز شد؟

بعد از زندان دوباره برگشتید به دبیرستان؟

کسب و کار مشترکتان را هم همان وقت‌ها راه انداختید؟ ایده اولیه اینکه یک شرکت راه بیندازید مربوط به چه کسی بود؟

« »

خودتان هم سینما می‌رفتید؟

در واقع اولین شرکتی که راه انداختید پرسپولیس بود؟

چه سالی بود؟ آیا به جز شما شرکت دیگری هم بود که کار ساخت اسلاید تبلیغاتی انجام بدهد؟

یعنی اسلایدهای تبلیغاتی شما در شهرستانها هم مشتری داشت؟

اولین فیلمهای تبلیغاتی تولید ایران را موسسه شما (پرسپولیس) ساخت؟

ساخت تیزرهای تبلیغاتی را بعد از این شروع کردید؟

: »

«.

همکارانتان در اول راه چه کسانی بودند؟

« ! ! »

»

«

« »

بعد از این بود که بازداشت‌های بیژن جزنی ادامه پیدا کرد؟ ماجرای عروسی قلابی که در آن بازداشت شدید چه بود؟

جزنی با شما درباره ایده‌های سیاسی که در ذهنش داشت صحبت می‌کرد؟

دلیل وارد نشدن در این بحث‌ها چه بود؟ شما نمی‌خواستید یا جزنی؟

شما در کار تبلیغات و آگهی‌های تجاری که می‌ساختید این رویکرد را می‌گنجاندید؟

زندگی شخصی‌تان چگونه بود، جایی خوانده‌ام که ماموران ساواک وقتی بار آخر به خانه جزنی می‌روند از رفاه و کیفیت زندگی که برای خانواده‌اش فراهم کرده بود متعجب می‌شوند.

همکاری شما و جزنی در تیلی فیلم تا چه سالی ادامه داشت؟

این آخرین بازداشت جزئی بود؟ بعد از آن باز هم همدیگر را دیدید؟

» :

» :

«.

( )

«.

آن موقع فشارها روی شرکت هم زیاد بود؟

بعد از مرگ جزئی چگونه کار در شرکت پخشیران ادامه داشت؟

با توجه به اینکه ارتباطهای زیادی با اهالی سینما داشتید، فعالیت سینمایی نمی‌کردید؟

«

»

«

»

بعدتر که به جریان انقلاب و شلوغی‌های ۵۶ و ۵۷ نزدیک شدید چگونه انقلاب تغییری در وضعیت کارتان ایجاد کرد؟





( )

آقای کیانزاد، به فعالیت‌های اعضای بعدی گروه و کلاً جوانان چپ در جبهه‌ی ملی اشاره کردید. علت تمایل جوانان چپ آن دوره به فعالیت در جبهه‌ی ملی چه بود؟

گروه بر مبنای پذیرش مبارزه‌ی مسلحانه تشکیل شد. آیا این پذیرش به معنای آن بود که تنها راه را مبارزه‌ی مسلحانه می‌دیدید؟

کمی به تظاهرات ۲۰ دی ۱۳۲۸ پردازیم. اهمیت این تظاهرات به حدی بوده که نخست‌وزیر وقت آقای منوچهر اقبال در جلسه‌ی ۲۳ دی ماه مجلس، طی بیاناتی توضیحات مفصّلی در این باره به مجلس می‌دهد که البته به تمامی در محکوم کردن این حرکت و نسبت دادن آن به "خائنین" است...

آقای کیانزاد، اگر موافق باشید، پردازیم به چرایی فاجعه‌ایی که در ۳۰ فروردین ۱۳۵۴ اتفاق افتاد. به نظر شما ساواک بر چه زمینه‌ای و با چه هدفی تصمیم به از میان برداشتن بیژن جزنی و یارانش همراه دو مجاهد گرفت؟

» :

«!

بر چه زمینه‌ای، مشخصاً این ۹ نفر را اعدام کردند؟

با توجه به این که سه سال بعد از آن انقلاب شد، می‌توان گفت که هراس از شروع زمینه‌های انقلاب، حکومت را به فکر از بین بردن رهبران انداخته باشد؟

نگاه امروز و ارزیابی‌تان از فعالیت‌تان در دهه‌ی ۴۰ و در گروه بیژن جزنی چگونه است؟

( )

" " " "

اتفاقاً عضویت در جبهه‌ی ملی و فعالیت در حرکت‌های صنفی دانشجویی و دانش‌آموزی که بزرگ‌ترین آن در دی ماه ۱۳۳۸ اتفاق افتاد، نشان می‌دهد که آن نسل با وجود جو حاکم بر دنیا و اعتقاد به سرنگونی رژیم شاه، زمینه‌ی فعالیت مسالمت‌آمیز و شرکت در جنبش‌های مدنی را هم داشت. مثلاً بیژن شعار "سرنگون باد دیکتاتوری شاه" را طرح کرده بود و نه "مرگ بر شاه". یعنی دیکتاتوری فردی را نشانه گرفته بود و نه شخص شاه را. آیا بر این زمینه‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که اگر فضا باز می‌شد و امکان فعالیت‌های مدنی ایجاد می‌شد، شاید این نسل راه دیگری می‌رفت؟

" "

اگر ممکن است در باره‌ی علت دستگیری گروه بیژن هم توضیح بدهید؟

آقای کیانزاد، در سال ۱۳۴۸ فرار ناموفقی توسط سعید کلانتری از زندان سازمان داده شده بود. اگر ممکن است کمی هم در این باره توضیح بدهید. زمینه‌ی این فرار چه بود و با چه هدفی صورت گرفت؟

( )

به عنوان سنوال آخر، اگر راجع به اعضای گروه و فعالیت‌تان در آن دوره خاطره‌ای دارید، بفرمایید.

[ ]

" "

( )

# گروه بیژن جزنی می خواستند رهبری فعال درست کنند

ابوالحسن بنی صدر



آقای بنی صدر می دانید که سی فروردین سالگرد شهادت بیژن جزنی، ضیاء ظریفی و دیگر یاران ایشان باضافه دو تن از بنیانگذاران مجاهدین خلق، می خواستیم از گذشته های خود با آنان بر ایمان بگوئید.

گفته می شود که حدود ۶۰ یا ۷۰ نفر از فعالینی را که افکار چپ داشتند از جبهه ملی اخراج کردند. آیا شما چنین خبری را تایید می کنید؟ و به شمول بیژن جزنی، ضیاء ظریفی و تعدادی دیگر.

ضیاء ظریفی در کنگره بود یا نه؟

همکاری عملی در جریان مبارزات بین دانشجویان با افکار متفاوت وجود داشت؟

( )

علت اینکه رژیم در آن شرایط تصمیم به ارتکاب این جنایت گرفت به نظر شما چه بوده است؟

آیا علت این که رژیم شاه دست به چنین جنایتی در آن مقطع زد این هم می توانست باشد که از آینده خودش بیمناک بود و فکر می کرد که چپ ممکن است جانشینی باشد. چون این رفتار مثلا با مذهب یون که بعدا به حکومت رسیدند در آن دوران نشد. در حالیکه دسترسی به سران آنها هم بود.

درست سه روز بعد از اعلام حزب رستاخیز بود و انحلال احزاب. ۴۰ نفر را جدا کردند به سلول انفرادی بردند و این عزیزان را شهید کردند.

شما آقای بنی صدر تاثیر این حرکت بیزن جزئی و ضیاء ظریفی و دیگران و جنبش فدایی را در آن دوران، به، بعد از شهادت این فعالین، رهبران، تاثیر افکار و تمایلات اینها را به روی نهضت سیاسی ایران چگونه می بینید. در چه جهت بیشتر تاثیر داشتند؟

این جنبشی که شروع شد بر این اصل نیز استوار بود که ما باید در مقابل بی عملی بایستیم، فداکاری بکنیم، صادقانه برزمیم تا بتوانیم تحولی بزرگ ایجاد بکنیم و به همین دلیل عنوان فدایی مطرح شد. آنها به بی عملی رهبری نوده ای ها و جبهه ای ها و عدم حضور آنها در شرکت آنها در نهضت هم انتقاد داشتند.

آقای بنی صدر شما در صحبت تان اشاره کردید که آنها به شما مراجعه کرده بودند و گفته بودند شما را و آقای حبیبی را هم به عضویت گروه پذیرفتیم. شاید یک فکری پشت این پیشنهاد بوده باشد و آن اینکه برای ایجاد جنبشی برپایه استقلال و آزادی، وحدت در ایدئولوژی ضروری نیست. این را آیا تأیید می‌کنید که فکر آنها این بوده؟

حق با مصدق بود؟

آقای بنی صدر خیلی ممنون از صحبتی که در این زمینه و به مناسبت این سالگرد داشتید.

# بیژن جزنی در خود بودنش رهبر بود!

## بهباد کریمی



پیش از پرداختن به پرسش‌های شما، می باید بر یک نکته درنگ داشت و آن رابطه اظهار نظر کننده است با موضوع مورد اظهار نظر. وقتی یک نفر در باره شخصی و یا موضوعی حرف می زند مهم و لازم است که روشن شود نسبت خود او با فرد یا موضوع صحبت چیست و دستکم این را نیاز است که خود صحبت کننده بگوید حد رابطه او با موضوع بحث کدامست. این، یک دین عمومی است بر گردن بازیگران دوره‌ایی از تاریخ مخصوصاً در برابر مورخان همان دوره از تاریخ!

من هیچگاه شانس این را نیافتم که بیژن جزنی را از نزدیک ببینم و برای همیشه هم در این حسرت بزرگ ماندم. فقط چند روز پس از انتقال او و یارانش به قتلگاه اوین بود که با دومین بار محکوم شدنم در دادگاه نظامی، از بند ۲ و ۳ زندان شماره یک قصر به بند ۵ منتقل شدم که فقط یک در نیمه باز آن را از بند ۶ جدا می کرد، همان بندی که بیژن و رفقای گروه او تا چند روز قبلش در آنجا بودند. در آستانه انتقالم به این بند آرزو داشتم که هر چه زودتر نام‌آورانی را که سالها با نامشان زیسته بودم از نزدیک ببینم و در راس همه آنها هم این چهار نفر: صفرخان قهرمانی، بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی و شکرالله پاکنژاد! اولی و چهارمی را دیدم و به تبادل عاطفه با آنها رسیدم، ولی دریغاً که بیژن و ضیاء ظریفی را نه. بسیار متأسف شدم که چرا نشد با بیژن که او را به رهبری قبول داشتم، از نزدیک به صحبت بنشینم و از دریای تجربه و دانش او بیشتر بنوشم. تفاوت سنی من با او دهسال یعنی نیم نسل بود، اما با شناختی که از او یافته بودم تفاوت برایم خیلی بیش از اینها بود و بحق نیز! او در بالای قله نسل من قرار داشت و چونان فانوس دریایی می ماند برای ما ملوانان جوان. اولین بار در بهار سال ۴۷ بود که نام او و گروهش را شنیدیم و در آستانه سپاهکل بود که در یکی از جلسات گروهی که داشتیم بگونه افواهی راجع به دیدگاه‌های او و گروهش، با یکدیگر صحبت‌هایی کردیم. اما شناخت واقعی من از آثار و شخصیت بیژن به اواسط سال ۵۱ بر می گردد. آنجا بود که از طریق چند نفر از رفقا در زندان به جایگاه و توانایی‌های او پی بردم. با بروز اولین اختلافات فکری درون چریک‌های فدایی خلق، به تمامی در جبهه او قرار گرفتم و مبلغ و مروج دیدگاه‌های وی در مناسبات درون زندان شدم و مدتی پیش از مرگش و از طریق شبکه فوق مخفی سازمان در زندان، بگونه غیر مستقیم در ارتباط تشکیلاتی با او نیز قرار گرفتم. آثار جزنی را در طول سال‌های زندان بارها ریز نویسی کرده و بعد درشت نویسی نموده‌ام و دوباره به اقتضاء، دست به ریز نویسی آنها زده‌ام! محتویات آنها را به دقت خوانده و از آنها بسیار آموخته‌ام و بعدها در جهاتی، البته پیش خود و برای خود نقدشان نیز کرده‌ام. علاقه‌ام به جزنی چنان بوده که از همان سال ۵۱ دوردور و به واسطه رفقای که از نزدیک در ارتباط با او بوده‌اند هر حرکت او را زیر رصد داشتم و بر هر حرف و عمل او می ایستادم. آبشخور آموزش‌ها و تعلقات سیاسی من، همانی بود که برای بیژن و رفقای گروه او، ولی با ده یا دوازده سال تقدم آنها نسبت به ما و ارجحیت حضور مستقیم‌شان در میدان‌هایی که من و همسالانم فقط شنونده وقایع آن میادین بودیم. اما، تحولات فکری من و ما درست در همان سمتی بود که بیژن متقدم ما آن را پیموده بود و همین هم کمک می کرد تا که او را خوب بفهمم و نیز با همه وجودم او را در مقام رهبری خود ببایم. من هیچوقت او را ندیدم، ولی بر آنم که شناختم از او نه کمتر از خیلی از رفقای است که با او بودند! این البته یک ادعاست، ولی ادعایی که پیش مدعی، جاگرفته‌ایی است در تار و پود او!

شما چه جایگاهی برای بیژن جزنی در جنبش فدائی قائل هستید؟ به عنوان نظریه پرداز یا پراتیسین و یا هر دو؟  
تاثیر او در جنبش فدائی را چگونه ارزیابی می کنید؟

!

.

.

!

" "

:

!

!

!

" "

"

"

"

"

- - -

!

!

!

!

!

!

" "

"

"

!

"

"

!

!

:

:

!

"

"

"

"

"

"

"

!

"

!

" "

!



بیژن جزینی اولین کسی بود که در اوائل دهه ۱۳۵۰ پیش بینی کرد که آیت الله خمینی برای هدایت مبارزه ضدشاه از شانس بالائی برخوردار است. او نوشت: "با این پیشینه، خمینی از محبوبیت بی سابقه ای در میان توده ها، به ویژه صاحب کاران خروه بورژوا، برخوردار است و با امکاناتی که برای فعالیت نسبتاً آزاد سیاسی در اختیار دارد، از شانس بی سابقه ای برای موفقیت برخوردار است". نظر شما در مورد این پیش بینی شگفت انگیز چیست؟ چگونه او توانست چنین پیش بینی داشته باشد؟

بیزن جزنی با وجود محدودیت های زندان، به تحلیل طبقات اجتماعی، موقعیت و خصوصیات آن ها پرداخت و جایگاه شان را در تحولات سیاسی کشور مشخص نمود. نظر شما نسبت به شیوه برخورد او چیست؟

بیزن جزنی در تدوین استراتژی سیاسی توجه جدی به نوع حکومت داشت. او خصلت دیکتاتوری فردی شاه را دید و به همین خاطر شعار "سرنگون باد دیکتاتوری شاه" را به عنوان وسیله بسیج نیروهای اجتماعی طرح نمود. نظر شما نسبت به این شیوه برخورد چیست؟

بیژن جزینی بر شکاف شکل گرفته در جنبش جهانی کمونیستی بین چین و شوروی وقوف داشت اما برای این نظر بود که نباید جانب این و یا آن قطب کمونیستی را گرفت. باید بی طرف ماند. او طرح بی طرفی را زمانی پیش کشید که چپ ایران بین آندو قطب تقسیم شده بود. جزینی به چه دلیلی به سیاست بی طرفی روی آورد و چه نقشی این موضع در حیات جنبش فدائی داشت؟

## متن دفاعیات من را بیژن جزنی به خارج زندان رسانید

رفیق علی خاوری



آقای خاوری شما از جمله کسانی هستید که در زندان رژیم شاه روزهایی را با بیژن جزنی گذرانده اید، بسیار مشتاقیم که از خاطراتتان با او برای ما بگوئید.

«                    »  
" :

«

»

.(

)

!

"

"

"

"

"

:

# سازمان در پائیز سال ۱۳۵۶ مواضع بیژن جزنی را پذیرفت! مجید عبدالرحیم پور



۱. شما چه جایگاهی برای بیژن جزنی در جنبش فدائی قائل هستید؟ به عنوان نظریه پرداز یا پراتیسین و یا هر دو؟ تاثیر او در جنبش فدائی را چگونه ارزیابی می کنید؟

( )

( )

»

«

»

«

«

»

« » « »

۲. بیژن جزنی در تدوین استراتژی سیاسی توجه جدی به نوع حکومت داشت. او خصلت دیکتاتوری فردی شاه را دید و به همین خاطر "نبرد بادیکتاتوری شاه" را به عنوان شعارسیاسی محوری طرح نمود. نظر شما نسبت به این شیوه برخورد چیست؟

« »  
»  
« »

«

» :

...

«.

:

"

( ) "...

» :

( ) «.

»

«

»

«

« »

« »

)

( )

(

« »

( )

« »

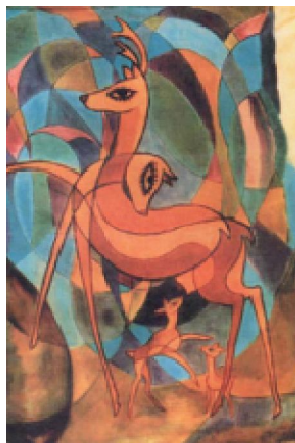
۳. بیژن جزنی اولین کسی بود که در اوائل دهه ۱۳۵۰ پیش بینی کرد که آیت الله خمینی برای هدایت مبارزه ضدشاه از شانس بالائی برخوردار است. او نوشت: "با این پیشینه، خمینی از محبوبیت بی سابقه ای در میان توده ها، به ویژه صاحب کاران خروه بورژوا، برخوردار است و با امکاناتی که برای فعالیت نسبتاً آزاد سیاسی در اختیار دارد، از شانس بی سابقه ای برای موفقیت برخوردار است". نظر شما در مورد این پیش بینی شکفت انگیز چیست؟ چگونه او توانست چنین پیش بینی داشته باشد؟

« »



بیژن جزنی،  
آنچه باز هم باید از او آموخت

پویا غلامرضایی



)

(

«

»

